

ارگانهای سرکوب رژیم باز هم گسترش می یابند

بقیه از صفحه اول

مدل رژه می رفتند، نزدیک به نیم ساعت از وقت مراسم رابه خود اختصاص داده بود.

کمیته ها که تا همین چندی پیش حتی ادامه موجودیتشان مورد تردید بود، اینک تقویت گشته، و با جذب نفراتی تازه از میان ارادل و او باش، گسترش یافته اند. حیطه عطفیات آنها وسیع تر گردیده و از جمله وظیفه کنترل مرزهای گشوراد ربرابر تردد عناصر نیروهای سیاسی، به آنها سپرده اند. برای ایجساد قرارگاهها و خطوط تازه مورد نیاز شان اخیرا تنهائی قلم، ۶ میلیارد ریال اختصاص داده اند. واحدهای تازه تاسیس منکرات، به امکانات و پرسنل بسیار، شروع به کار کرده اند. آنگونه که رسماً اعلام شده است، این واحدها در آینده با تبدیل شدن به وزارت امریه معروف و نهی از منکر، جایگاه ویژه ای را تصاحب خواهند کرد.

کار سازماندهی و زارت اطلاعات با جدیت پیش می رود. باقیانده پرسنل، امکانات، اسناد و ۴۰۰ ساواک در اختیار آنان قرار گرفته است. سازماندهی و زارت اطلاعات با همسان فرم ساواک و بمنظور انجام همان وظایف صورت می گیرد.

واحدهای کنترل ساواک در ادارات، کارخانجات و ۴۰۰ که به دایره حفاظت موسوم بودند، احیاء شدند. برای حفظ صورت ظاهر نام آنرا به دایره حراست تبدیل کردند. در کنار آنها انجمنهای اسلامی جای دارند که از سوی حکومت وظیفه دارند تا بابتها به بازوی ارگانهای سرکوب عمل کنند. آقای نخست و زیرچند روز قبل اعلام داشت نیاز مابه انجمنهای اسلامی افزایش یافته است و لذا تقویت می شوند.

گسترش، تقویت، ایجاد و بازسازی ارگانهای سرکوب، نشانه آشکار تنگ تر شدن جدی پایه توده ای رژیم و نشانه گسترش دم افزون مبارزه مردمی است که به اعتمادشان خیانت شده است. رژیم که از پاسخگویی به مطالبات مردم عاجز مانده است، راه سرکوب باز هم بیشتر را برگزیده است. هیچ عرصه ای از حیات کشور نیست که از تاخت و تاز چکمه پوشان رژیم در امان مانده باشد. رژیم حتی پایبندی مردم به سلیقه ها و علایق شخصی را نیز نشانه ای از تمد و طغیان می بیند. آزار اقلیتهای مذهبی، ایدئالها، ضرب و شتم زنان و ۴۰۰ و انکس خشتا گیسن حکومتی است که از تحمیل روشها و معیارهای

بیا قابه یاد شهیدان تیر!

آلود امپریالیسم آمریکا در کشتار سی ام تیر را عیان و توطئه مشترک امپریالیستها را با شکست مواجه ساختند.

اهمیت دیگر قیام سی تیر، در نشان دادن ضرورت و امکان اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی در عرصه نبرد بود. در نتیجه همین اتحاد بود که مصدق، نه از طریق بند بازیهای سیاسی و نه از طریق بهره گیری از تضادهای جناحها و دول امپریالیستی، بلکه بر روی امواج قیام توده مردم و به ویژه طبقات زحمتکش پیروز شد.

برجسته ترین خصلت این قیام، آشکار ساختن نقش قاطع و تعیین کننده کارگران و حزب، طبقه کارگر در مبارزات ضد امپریالیستی بود. قیام سی تیر، با اعتصاب نفت گران آبادان و سایر زحمتکشان آغاز شد و با رهبری حزب توده ایران شعارهای "مرگ بر شاه"، "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "با شیوه های قاطع نبرد در آمیختن سی تیر، آشکارا مهر و نشان تسودهای داشت و همین تحول کیفی در جنبش ملی شدن نفت، مهم ترین عامل پیروزی قیام بود.

با فرامیداشت خاطره شهدای ۳۰ تیر و با درس گیری از تجربیات این قیام وظایف انقلابیها را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هر چه کاملتر به انجام رسانیم.

قیام سی تیر ۱۳۳۱، بمثابة بزرگترین حادثه دوران ملی شدن نفت، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم ایران است.

روی کار آمدن قوام السلطنه به دنبال زد و بند و سازش امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم انگلیس، و پشتیبانی از قوام و تقویت وی توسط آنها، قبل از هر چیز، نشانه شکست استراتژی و تفکری بود که حاضر نبود آمریکا را بمثابة دشمن مردم ایران بشناسد و بشناساند. در عین حال که از روش کسانی مانند هندرسن - سفیر آمریکا در ایران - ابراز عدم رضایت می کرد، امید وار بود، با تکیه بر تضادهای امپریالیستی و جلب نظر مساعد آمریکا مبارزات ضد امپریالیستی را پیش برد. روی کار آمدن قوام نشانه شکست سیاست مانور میان امپریالیستها بود.

درسهای قیام سی تیر، هنوز هم آموزنده اند. جریان قیام سی تیر، نشان داد که جنبش استقلال طلبانه، تنها از کانال یک جنبش عمیقاً ضد امپریالیستی و در نتیجه نبرد قاطع و پیگیر با نیروهای امپریالیستی - چه آمریکایی و چه سایر امپریالیستها - و با تکیه بر نیروی لایزال توده های می تواند پیروز شود. مردم ایران که با مقاومت حماسی خود در قیام سی تیر، ۸۰۰ نفر شهید و زخمی دادند، به وضوح دست خونی

تنگ "رساله ای" خود عاجز مانده است. همه جارا شلاق به دستان پیر کرده اند. با گسیل مامورانی که نخته شلاقها را بید می کشند، می خواهند مردم را مرعوب نمایند و به تفکیک در برابر مطامع، منافع، معیارها و ضوابط مورد نظر و ادارند. شدت اختناق و سرکوب به جایی رسیده است که حتی یکی از نمایندگان برگزیده حکومت در مجلس با هراس این حدیث را بخاطر سردمداران می آورد که "مملکت به کفری ماند، اما به ستم نمی ماند".

حقیقت این است که بکارگیری باز هم گسترده تر سرکوب، نه نشانه قدرتمندی رژیم که قبل از هر چیز بیانگر درماندگی آن است. آنها که گمان می کردند با سرکوب قادر خواهند شد راه تثبیت سیستم دلخواه خود را هموار سازند، اینک در می یابند که راه بغایت دشواری را برگزیده اند. مردم ناظر خاموش تدفین دستاوردهای انقلاب نمی مانند، به هرزگیها و سیاهکاریهای حکومت تمکین نمی کنند، مطالباتشان را از یاد نمی برند. در شهر و روستا، کارخانه و مدرسه، خیابان و اداره، مبارزه قدیمی کشد و مبارزات پراکنده دامنه می گیرد.

گزارشات نشان می دهد که در ماههای اخیر، رژیم وسیع تر از پیش از ماهورین شهریانسی در امر سرکوب استفاده می کند. آنها که پیش از این نمی توانستند نقشی متناسب با نیازهای رژیم بر عهده بگیرند، اینک بطور روز افزون انجام وظایف تازه تری را بر دوش می گیرند. برای آنها نیز تجهیزات و وسایل تازه ای وارد کرده اند.

تکیه بر محدود و دوده سرنیزه، سرنوشت همه رژیم هایی است که گستره اعتماد مردم را از دست می دهند. تاریخ همواره آموخته است که سرنیزه تکیه گاه بی تکلیفی است. اما هیچگاه مرتجعین نتوانستند این درس تاریخ را فراگیرند. در ایران، شاه می خواست "بزرگ هم که شده" "تعدن بزرگ" را مستقر نماید و سرنوشت او شد. سردمداران حاکمیت جمهوری اسلامی هم که می گویند "حتی اگر همه مردم همینخواهند نظام" اسلام رساله ای "را مستقر خواهیم کرد و به ناچار بر عرصه و طول ارگانهای سرکوب می افزایند، چه سرنوشت بهتری را جستجو می کنند؟

پیش بسوی جبهه متحد خلق

حکومت تجار و مالکان و نمایش "هفته کمک به مستضعفین"

بقیه از صفحه اول

ما بارها گفته است: این سیاست علاوه بر تحقیر توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان - بر پا کنندگان واقعی انقلاب - اعلام مصونیت مناسبات غارتگران کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی از هرگونه تعرض و دستبرد است.

رهبران ج.ا.و. که روزی از "حکومت مستضعفین" و "هزیمت مستکبرین" حرف می‌زدند و ادعا می‌کردند که "باید دست‌این مستکبرین را بگیریم و آن قدر فشار بدهیم و بر سرشان بزنیم که تسلیم حق شوند" سرانجام خود تسلیم مستکبرین شدند و سرنوشت انقلاب شکوهمند بهمین راه که حاصل خون صدها هزار مردم زحمتکش میهنمان بود، بدست‌مدافعیین سرسخت‌کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالک - سی‌دند - امروز دیگر برای رهبران ج.ا.و.،

چریدن بچه‌های سیستمی و هسته خرمی خوردن بچه‌های بلع مهم نیست "آنها زمانیکه به بن‌بست تعیین راه رشد اقتصادی اجتماعی برخوردند، تشخیص دادند که اگر بیش از این با مردم باشند، باید به آنها زمین بدهند، خانه بدهند، کار بدهند، قانون کار مرفی بدهند، آزادی شکل بدهند - حق داشتن عقیده بدهند، مدرسه بدهند، و دادن اینهمه مستلزم آن بود که اساس جامعه نکتت‌بار آریامهری دگرگون می‌شد، کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بر چیده می‌شد و محرومان به حق می‌رسیدند که تا امروز بدست‌کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالک‌کلان تاراج شده و همچنان می‌شود. و اینهمه مغایر با سیاست "جاهای بسیار محترمی" است که "به نام دین از میلیاردها دفاع می‌کنند" و دشمنی با مراکز قدرتی است که آنها فقط به نفع پول‌دارها همیشه حرکت می‌کنند.

سازمان ما زمانیکه رهبری انقلاب، راه سازش و تسلیم به راست و خیانت به اهداف انقلاب را برگزید، نوشت: "باید عمیقاً به این حقیقت توجه کرد که تحول اوضاع به سود راستها قادر به حل هیچیک از تضادهای اجتماعی و طبقاتی جامعه که اکثریت مردم از آن در رنجند، نخواهد بود. این تحول در صورتی که تثبیت گردد "مستضعفان" را لاغرتر و "مستکبران" را فریتر خواهد ساخت."

امروز گذشت زمان، درستی این نظریه را با قاطعیت تأیید می‌کند. حاکمیت ج.ا.و.، درمانده از بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی که نتیجه مستقیم انتخاب راه رشد سرمایه‌داری از طرف رهبران آن است، چاره کار را در آن می‌بیند که از طریق موقوفه به صاحبان ثروت و سرمایه و باصطلاح تشویق آنها برای دادن "اعانه"، "صدقه" و "احسان" به "مستضعفین"

شکافی را که بین فقر و ثروت روز بروز عمیق تر می‌شود لاپوشانی کند. سگرا ولادی رسواترین نماینده جناح راست افراطی، که صحنه گردان این معرکه تبلیغاتی است میگوید:

"ما راه علاج محرومیتها را بیشتر از طریق سنتی و محلی تشخیص دادیم لذا تلاش امدادگران اینست که بر اساس تجربیات هر محل به رفع محرومیتها آن محل بپردازند."

حال ببینیم، این "طریق سنتی و محلی"

چگونه "به رفع محرومیتها می‌پردازد"؟

کیهان ۳ تیر، در حاشیه برگزاری هفته "کمک

به مستضعفین" ضمن نظرخواهی از مسئولین

"کمیت امداد امام و خود "مستضعفین"، از

زبان زن جوانی می‌نهد: "مدت یکساله که

به زیر پوشش کمیت امداد آمدم و دارای دو بچه

۲ و ۶ ساله هستم در ایام جوانی شوهر ناقص

شده و نمی‌توانم ترکش کنم. پسر امسال بد رسه

میره و از من لباس نمی‌خواهد، از من لوازم تحریر

می‌خواهد، او نمی‌فهمه که مستضعف یعنی چه،

نمی‌فهمه فقر یعنی چه، کمیت امداد امام ما هانه

۶۰۰ تومان مستقری بدن میدهند و من ۴۰۰ تومن

کرایه میدم و بلاخره من میمونم با ۲۰۰ تومن

پول و دو بچه و یک فرد علیل و مال گردنم، آخه

من چهلر با ۲۰۰ تومان پول زندگی کنم؟

من یک فرد تحصیل کرده هستم، چهار ستون بدنم

ساله، بهر کجا که مراجعه میکنم به کمیت

امداد امام مراجعه کن، من هر دفعه میام اینجا،

خجالت میکنم، دستم را دراز کنم. کمیت باید

بعن کار بده، اونهایکه مسئول هستند باید ما

را دریابن، این ۲۰۰ تومان را به من بدن.

زمین در اختیار من بگذارن. من دوست دارم مثل

یک انسان زندگی کنم. الان ۵ ساله که

انقلاب شده، دو ساله یا سه ساله جنگه، ما

۵ ساله که دگرگون شدیم و قاعا باید به اندازه این

دگرگونیها به ما برسن. ما بودیم که انقلاب کردیم،

ما بودیم که مشتتها را گره کردیم و ما ئیم که انتظار

داریم و گرنه اونایکه دستشون به دهشتن‌ون

میرمید هنوز هم سر جایشان هستن و براشون فرقی

نکرده... دفتر امام جمعه بودم زار زدم گریه

کردم، و از اونای که خواش کردم که بمن کار بدن، به

تمام بیمارستانهای شهر و به اداره بهزیستی رفتم...

ولی اونای میگفتن کار نداریم یا میگفتن باید

از مسجد محل تأییدی بیاری."

آری، "مستضعفان" می‌گویند "صدقات"

"اعانات" و "احسان" ارزانی خودتان بساد

و اینهمه اهانت و تحقیر هم شایسته خودتان آنها

می‌گویند، طبق قانون اساسی دولت موظف است

که نیازهای اساسی جامعه از قبیل "مسکن،

خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و

پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای

همه "را فراهم کند و موظف است که "شرایط

و امکانات کار برای همه" را تأمین نمایند.

پیر واضح است، زرینی که احیا، مناسبات

اتقیاد آمیز سرمایه‌داری وابسته و تأمین منافع

آزمندانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالک‌کلان

را رسالت خود قرار داده، بهیچوجه نمی‌تواند

کوچکترین معضل اجتماعی - اقتصادی را پاسخگو

باشد، و تمسک به "اعانه"، "صدقه"

و "احسان" و یا به قول سگرا ولادی "طریق

سنتی و محلی" هم چیزی جز رسوایی بیشتر

نصبش نخواهد کرد. مهدوی کئی، یکسی

از مسئولین راستگرا و مدافع سرسخت "طریق

سنتی و محلی" سگرا ولادی، در حاشیه هفته

"کمک به مستضعفین" می‌گوید: "کمیت امداد

توانسته، با بهره‌گیری از کمکهای مردمی

و تعاون عمومی و بدور از قوانین پیچیده دست

وپا گیر اداری خدمات شایان توجهی را به

جامعه و افراد حتی در درونترین نقاط مملکت

بنماید." (جمهوری اسلامی ۲۹ خرداد)

آنچه را که مهدوی کئی "خدمات شایان

توجه" می‌نامد، از زبان مسئول کمیت امداد امام

دراوه‌زار، برآستی "شایان توجه" است. وی

می‌گوید: "به زنان منحرفی که پس از رفتن به

کانون تربیت، اصلاح شده‌اند ما هانه ۲۰۰ تومان

مستقری میدهم. چگونه میتوان از آنها توقع

داشت که با این مستقری یکماه زندگی کنند

و دوباره به راههای منحرف کشانیده نشوند؟"

یکی از اعضای شورای سرپرستی کمیت امداد امام

می‌گوید: "کمیت به خانواده‌های مستضعفی

که استضعاف و استحقاق شان ثابت شده ما هانه

۱۵۰ تا ۳۰۰ تومان مستقری و مقدار جیره خشک

اعم از لوبیا، نخود و برنج میدهند و سئوالی که

اینجا مطرح میشود این است که چگونه یک

خانواده چند نفره میتواند با این مقدار کم

جیره و مستقری یکماه زندگی کند؟"

آری، عمار و جنجال گوشخراش و مشغله

کننده گردانندگان ج.ا.و. در هفته "کمک به

مستضعفین" بخاطر ۱۵۰ تا ۳۰۰ تومانی

است که از محل "صدقات" تجار چپا و لگرا زار و همپا لگی

سهاشان به چندین نفر از محرومین کشورمان

که "استضعاف و استحقاق شان ثابت شده"

ما هانه پرداخت می‌شود.

نه! رژیم باید خجالت بکشد!

دیری تثبیت راه و روش ضد مردمی در

حاکمیت جمهوری اسلامی، معضلات و نابسامانی

های اجتماعی شتابان گسترش می‌یابند.

افزایش لجام گسیخته اعتیاد، فحشا، خودکشی

و... قبل از هر چیز داغ ننگی است بر چهره

این رژیم. از باختران، تنهاد رطل یک ماه

از بهار، پنج مورد خودکشی گزارش شده

است. در یک مورد، کارگری خود را به رودخانه

انداخته و غرق می‌کند. در وصیت نامه اش

نوشته بود: "از صورت زن و بچه ام خجالت

می‌کنم، دیگر قادر نیستم بار این زندگی را

بکنم، نمی‌توانم خانواده ام را اداره کنم."

تلاشهای اخیر دولت برای مهار تورم:

دست و پا زدن در يك باتلاق

بقیه از صفحه اول

این شاخص، با توجه به اظهارات گوناگون ارگانهای مذکور، مسلماً در سال گذشته و نیز در همین ماهی که از سال ۶۳ می گذرد - خاصه در نتیجه تاثیر جریان تپش آمده در خلیج فارس بر روی اقتصاد کشور - رکورد جدیدی به جا گذاشته است. بالا گرفتن بحث در مورد تورم در جراید اربعه، نشان دهنده حساسیت اوضاع و رسیدن به خط قرمز است.

تکنوکراتهای جمهوری اسلامی می گویند برای تخفیف بحران، از مغزهای بی مایه خویش که گرته هایی از دانش اقتصاد بورژوازی - از طریق تحصیل در دانشگاه های غربی - بر آنها نشسته است، راه حل هایی بجهند و در پیش پای رژیم، قرار دهند. سران قوم نیز کسه مدتهاست مبدای آثر خطر کاشان را تلخ کرده است، با شتاب این فرمولها را به کار می گیرند و از مردم می خواهند که اگر کمربند ها - پشان را مقداری بیشتر سفت کنند، در آینده های نزدیک، همه مشکلات بر طرف خواهد شد. راه حل هایی که رژیم برای مهار تورم افسار گسیخته موجود، در پیش گرفته است، بیش از هر چیز به دست و پا زدن، در يك باتلاق می ماند. در زیر به برخی از آخرین تمهیدات "ضد تورمی" دولت، نظری می افکنیم:

دولت که بیش از يك سیم بودجه مملکت را (رسماً) به جنگ اختصاص داده است و هر ساله با کسری بودجه شدیدی مواجه می شود، مرتب دست طلب به سوی سیپتم بانکی کشور دراز می کند و با اتخاذ این شیوه، بانك مرکزی را می دارد، بر سرعت گردش سگها چاپ اسکناس بیفزاید. همین امر باعث شده است که حجم پول در گردش سال گذشته، بیش از ۲/۷ برابر رقم مربوط به خود در سال ۵۷ باشد. این سیاست که جلوه مستقیم اصرار بر تداوم جنگ است، مهمترین عامل محرکه رشد تورم افسار گسیخته فعلی است. جالب اینجاست که دولت از یکسو اسکناس بی پشتوانه منتشر می سازد و از سوی دیگر از تکنوکراتهای خویش آموخته است که باید برای کاهش تورم، در جهت کاهش نقدینگی تلاش ورزد. این تلاش کسه طبیعتاً بردانگی در مجموعه حیات اقتصادی کشور دارد، عمدتاً از طریق مخالفت با افزایش دستمزدها خود را نشان می دهد و یکی دیگر

از جنبه های آن کاستن از سوسید کالاهاست که در ماههای اخیر دامنه وسیعی یافته است. رژیم اخیراً برای جذب مقداری از پول متورم موجود در بازار، تصمیم به عرضه طلا گرفته است. در اوایل خرداد ماه، بانك ملی اعلام کرد، در صدد است برای سال جاری، يك میلیون عدد سکه بهار آزادی در شعب خود، به معرض فروش بگذارد (کیهان - ۹ خرداد). این راه حل، به لحاظ اقتصادی همطراز با چاپ اسکناس بی پشتوانه است و معنای سیاسی اقتصادی خاصی دارد. دولت در عمل پیسی برده است که مردم، به خاطر بی اعتدای نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی رژیم، به سیستم بانکی کشور نیز بی اعتقادند و لذا احیاناً اگر پولی در بساط داشته باشند، حاضر نیستند آنرا به صورت سپرده بانکی در آورند. این فاکتور، عاملی است افزوده بر فاکتور عمومی کاهش میزان سپرده های بانکی در حالت رشد تورم. علاوه بر عرضه طلا، دولت کوششی کند با تمهیدات دیگری مردم را با سیستم بانکی مرتبط و درگیر سازد و به حساب مردم، صندوق شعب بانكها را، بی پول نگذارد.

یکی از علل مهم تورم و گرانی در سالهای اخیر، کاهش حجم تولیدات داخلی است. در حال حاضر، تقاضا در رابطه با همه کالاها، بر عرضه چریش دارد و ضرورتاً بالا رفتن قیمتتها را به دنبال می آورد. جمهوری اسلامی برای رفع رجوع این نقیصه، راه امتیاز دادن به کلان سرمایه داران و سرکوب کارگران را برگزیده است.

دولت تلاشی می کند به بورژوازی بزرگصنعتی دم بدم امتیازات بیشتری بدهد. در هفته های اخیر، مصاحبه معاون وزارت صنایع سنگین با روزنامه اطلاعات (۱۶ خرداد)، از برداشتن يك گام تازه در این جهت، حکایت می کرد. آن چنان که به وضوح از این مصاحبه بر می آید، سران رژیم بر آنند که در پوشش مشارکت و همکاری، دست این ضربه خورگان از انقلاب بهم را، مجدداً در عرصه صنایع کلیدی کشور، باز بگذارند. علی رغم همه تشبیهات، کرنشها و امتیازدهی ها، هنوز سرمایه بنا بر قانون کسب سود حداکثر و به دلیل عملکرد يك سلسله فاکتورهای سیاسی، بخش تجاری و بعد از آن بخش ساختمان را بر بخشهای صنعت و کشاورزی، ترجیح می دهد.

رژیم برای مقابله با عارضه کمبود کالا و زایلین

طریق کاستن از بار تورم، دم بدم بر حجم واردات خود از کشورهای امپریالیستی می افزاید. واصل تلاش اصلی دولت برای کاستن از کمبودها بیشتر در این راستا صورت می گیرد. سفر يك هیئت از وزارت نفت به آلمان فدرال در تاریخ ۱۵ خرداد ماه کسه رهگشای سفر گستر به ایران بود و مقارن با آن دیدار مدیرکل سیاسی وزارت خارجه زاپسن با مدیرکل اقتصادی وزارت خارجه ایران در تهران این "بشارت" را در پی داشت که در آینده، مجدداً بر حجم واردات از این کشورها - امپریالیستی، افزوده خواهد شد.

در ماههای اخیر، گرانی و کمبود محصولات کشاورزی از هر هنگام دیگری، منحوستر بود. در مجموعه عواملی که این امر را باعث شده است، دو عامل که یکی به مسائل عمومی دهقانی و دیگری به کیفیت شبکه توزیع در ایران برمی گردد برجستگی خاصی داشته اند. دولت در ابتدای بالا گرفتن بحران "هند وانه و سیب زمینی" در اواسط بهار، کوشید با يك شمشر چوبین، به جنگ تشدید عملکرد عامل دوم برود. تلاش دولت خیلی سریع با ناکامی مواجه شد و بر بار بحران افزود. دولت با اولین درگیری، مصلحت را در عقب نشینی تشخیص داد و با چشم اندازی حیرت زده، از حاشیه به تماشای اوج گیری مداوم بحران، نشست. با پدید آمدن این وضعیت، راستترین جناحهای حاکمیت که مدافع "غارت بدون کنترل" هستند، فرصت را مساعد تشخیص دادند تا کتاه تورم را به گردن وجود دو بازار - یکی "آزاد" و دیگری دولتی - بیندازند. (به عنوان نمونه رجوع شود به حرفهای شیخ محمد یزدی در مجلس جمهوری اسلامی ۴ تیر)

بررسی اقدامات اخیر برای مهار تورم و رشد افسار گسیخته قیمتتها در بازار بسیی درو پیکری که گردانندگان آن کاملاً به "عنايات خاصه" رژیم مستظهرند، نشان دهنده گیسری و سردرگمی عجیب حکوتی است که در هراس از روند روبه رشد اعتراضات توده های، هر دم بیشتر در آغوش بورژوازی، و راه حلها و بورژوازی پناه می جود. هر راه حلی که تا کنون نكنند - کراتهای اسلام پناه رژیم برای مهار تورم ارائه دادماند، فوراً نتیجه عکس بخشیده و به ضد خود تبدیل شده است. دولت به دنبال بروز شکست هر يك از این راه حلها، مسالسه جنگ را مطرح می سازد و از مردم می خواهد که با این وضعیت فلاکتنا ساززند. شعار "جنگ" رژیم نه تنها شعار "نان" را "منسی" نمی سازد، بلکه بر صلابت آن نیز می افزاید، پیونبد "صلح" و "نان" را مستحکتر می کند و بر جنبش توده های، دامنه بیشتری می بخشد.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

ايران بهشت قاچاقچيان بين المللى

بقيه از صفحه اول
و تريك و ساير مواد مخدر را به كشورمان وارد
مي كنند . طي دو ماهه اول سال جاري بيش از
چهارتن و نيم تريك كشف و ضبط شده است .
(كيهان ۲ تير)

در همين شماره كيهان ، در صفحه
حوادث به آمار تكان دهنده ديگري برمي خوريم :
" طي يك ماه گذشته ۳۴۳۰ كيلو تريك ، ۸
كيلو گرم هروئين و ۲ كيلو گرم شيش ۲۲۲۰
كيلو گرم ناسر كشيده مامورين ناحيه ژاندارمري
سيستان و بلوچستان طي خرداد ماه امسال
پوده است . "

اين كشيده تنهامشتي است از خروارها
مواد مخدر كه چون سيلی بنیان كن و مرگ آفرين
بي و فقه به كشورمان سرازير مي شود ، و همين
مقدار هم كافي است تا كشوري را تريك ، هروئين
و شيشي بكند . و اين همه نتيجه حمايت و قيادانه
سردمداران رژيم ۱۰۰ از باندهاي ضد انقلابي
و قاچاقچي افغاني است . مگر نه اينست كه رسايه
پشتياني ضد انقلابي حكام ۱۰۰ روزانه صدها
قاچاقچي با عنوان مبارز و مجاهد - كه بقول مردم
ايران خشا بهاي تنگ هاشان هروئين و تريك و
شيش شليك مي كنند - از مرزهاي شرقي كشورمان
آزادانه رفت و آمد مي كنند ؟

واقعيات گواهي مي دهند كه سردمداران
رژيم ۱۰۰ گذشته از اهداف ضد انقلابي و
همسويي فعال با ارتجاع منطقه و ارتجاع جهاني ،
به منظور سر كوب انقلاب ملي - دموكراتيكي مردم
افغانستان ، و حمايت بيشماره از دستجات
مزد و رو قاچاقچي افغاني ، اهداف آزمندانه و
سود جو يانه اي را نيز ، از اين طريق دنبال
مي كنند . بعنوان مثال سر هنگ بختگان
رئيس ادار مبارزه با مواد مخدر در رابطه با
كشف مقدار سرام آوهره و مرفين و تريك
و شيش از يكي از سردسته اين باندها ، بنام
" حاج الله داد " مي گويد : " وقتي نامبرده به
دام افتاد ، چندين نفر كه صلاح نيست نام هشان
را ببرم براي آزادي 'ين فرد كه ميليونها جوان را
معتاد و نابود كرده است اقدام كردند . "
(اطلاعات ۲۷ دي ۶۰)

اين واقعيت گوياي آن است كه لااقل
بخشي از گردانندگان ذينفوذ ۱۰۰ كه صلاح
نيست نامشان برده شود " سهم هاي كلانسي
از قاچاقچيان افغاني دريافت مي كنند ، و لابد
دريافت اين وجوهات را ، كه به قيمت نابودي
صدها هزار جوان ايراني تمام مي شود . به
حساب دريافت " وجوه شرعي " مي گذارند .
مثل همان وجوهات كه از كانال تجار چپا و لگر
و محترمان غارتگر با زاردريافت مي كنند .

" بردنها و بردنها

مسئولان و مديران جمهوري اسلامي
مي دانند كه در اين رژيم كسي را بآزادي كاري
نيست . آنها با خاطري آسوده در پناه ايمن
جريم امن به گرد آوري مال حلال و حرام
پرداخته اند . در كارخانات ، قوانيمن
دست كارگران را بسته و كارخانه را در اختيار
مديران برگزيده مقامات قرار داده است . همانگونه
كه در گذشته گزارش كرده بوديم ، در كارخانه
لوله و ماشين سازي واقع در جاده ساوه مدير
عامل منصوب همراه با چند تن از ديگر مديران
از مدت ها قبل آهن آلاتي را به عنوان مواد اوليه
مورد نياز خريداري مي شد ، تحت عنوان آهن
قراضه مجدداً بار كميون كرده و به تاجر محترم
بازار مي فروخت . در آمد حاصله به حساب
شخصي مي رفت . كارگران كه ناظر اين دزدی
آشكار بودند بالاخره در برابر آن پسا خاستند .
در روز ۶ ارديبهشت حدود ۶۰۰ نفر از كارگران
راه خروج كارخانه را سد كرده و مانع خروج كميون
هايي شدند كه مواد اوليه كارخانه را به بازار

گرمه ها و گشتي ها

مي بردند . آنها سپس به آطاق مدير عامل رفته
او را بيرون كشيد و از كارخانه بيرون مي كنند .
روز دهم ارديبهشت نيرو هايي از سوي
دادستاني انقلاب مركز به كارخانه مي ريزند .
مامورين مسلح در حاليكه تمام اسوارينزهاي
آخيرين مدل بودند مي كوشيدند كارگران را موعوب
نمايند . فرمانده آنان كه خود را نماينده شخص
لاجوردي معرفي مي كرد خطاب به كارگران
گفت :

دستور دارم كارگران اخلاخل گرا به
دادستاني معرفي كنم . مدير عامل بايد سر كار
باز گردد . اجازه نمي دهيم باشلوع كاري امور
پيش برده شود . كارگران نياد اين همه بفكر
منافع خود باشند . او در بي مقداري تهديدات
ديگر كارخانه را ترك مي كند .
فرداي آن روز مدير عامل در كمال وقاحت
به كارخانه بازمي گردد . اما كارگران بي توجه
به تهديدات نماينده " شخص لاجوردي " بار
ديگر او را از كارخانه بيرون مي اندازند .

كمك هاي داوطلبانه ديروز

سر كسيه كردن شيادانه امروز

خود داري كنند .

مسئولين آموزش و پرورش " انجمن هاي
اولياء و مربيان " را مجبور مي كنند كه براي
تامين نيازهاي جبهه ها و يا هزينه هاي جاري
مدارس ، از قبيل تعميرات ، سوخت ، بهداشت
مدرسه ، و يا اجاره بهاي عقب افتاده مدارس و ...
از خانواده دانش آموزان پول جمع آوري كنند . به
عنوان نمونه ، اخيرا در يكي از مدارس تهران ، از
اولياء دانش آموزان دعوت گرديده و از آنها
تقاضاي پول مي شود تا به خريد آمبولانس و ...
براي منطقه فرهنگي اقدام شود . اولياء اعتراض
كرده و مي گوهند :

" اين درخواستها نوعي سر كسيه كردن -
مردم است . " يكي از مسئولين بخش ، در پاسخ
مطرح مي كند كه " جنگ است و بايد كمك نمود . "
حاضرين در اين جلسه با خنده استهزاء آميز
او را وادار به سكوت مي كنند .

آري چنين است سرنوشت حكومتگران
جمهوري اسلامي كه با شعارهاي حمايت
از " مستضعفين " به ميدان آمدند و ولي
اكنون به كلاشي از " مستضعفين " مي پردازند
و مردم زحمتكار را و مي دارند ، به تامين
هزينه هاي جنگ خانمان براندازي " كمك "
نمايند كه جوانان و نوجوانان و پيران را بيشمار
به قتلگاه و محرض بيب و گلوله مي كشاند . اگر
مردم ديروز داوطلبانه به جبهه ها كمك ميكردند
امروز در برابر اين نوع سر كسيه كردن عوامل
حكومتي مقاومت مي كنند .

جنگ جنون آميز و توسعه طلبانه رهبران
جمهوري اسلامي و مسئله تامين نيازهاي ماشين
جنگ ، تمامي نيروهاي مادي و معنوي ميهنستان
را در اختيار گرفته و مي بلعد .

مردم زحمتكار در آغاز جنگ حقانيست
دفاع از ميهن و رفع تجاوز حكومت عراق را با
پوست و گوشت خود لمس مي كردند ، داوطلبانه
هر چه در توان داشتند به جبهه هاي جنگ
عادلانانه تقديم مي كردند . كارگران ، كشاورزان
و ساير زحمتكاران از نان شب خود مي بريدند
تا نيازهاي جبهه را تامين كنند و ولا تر از آن ،
از جان خود و فرزندان خود ، براي دفاع از
انقلاب و ميهن مي گذشتند .

اما از زماني كه رهبران حكومت ، خائنان
تمامي آماج هاي انقلاب را لگدمال كرده و جنگ
خائنانسو زو هيرانگر ، همچنان بعنوان عالمي
براي اهداف توسعه طلبانه و نزديكي به
امپرياليسم جنون آسا ادامه يافت .

مردم به حق از كمك به اين جنگ خانمان
برانداز خود داري كردند . اما مسئولين جمهوري
اسلامي و كارگزاران وابسته به آن با تهديد
و ارعاب و عافريبي به كلاشي و سر كسيه كردن
مردم زحمتكار مي پردازند . طبق اخبار رسيده
در كارخانات كسر كردن حقوق كارگران به
عنوان " كمك " به جبهه ها ادامه دارد .

افراد حكومت به " مستضعفان روستاها "
كه از طرح " شهيد رجائي " ماهانه ۳۰۰ تومان
دريافت مي كنند " تكليف " كردنند ، كه براي
" كمك به جبهه ها " داوطلبانه ! از دريافت آن

مصاحبه نشریه "اکثریت" با یکی از مقامات سفارت نیکاراگوئه در "شب نیکاراگوئه"

در پنجمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه توطئه دشمن بسیار است، اما اراده مردم را پایانی نیست

وارد می کند، چه تاثیری بر خلق نیکاراگوئه دارد؟

اینرا از قبل بگویم که تمامی این فشارها و توطئهات بر علیه خلق ما برای ما غیر منتظره نبود. خلق ما از روزی که تصمیم به آزادی گرفت، بر روی تمامی این مسایل فکر کرده بود. لیکن باید گفت که این توطئه ها، خلق ما را مصمم تر گردانید که از آزادی سود، از استقلال خود و از انقلاب خود دفاع کند. این توطئه ها باعث گردید که خلق به یک قدرت بی نهایت قوی معنوی دست یابد و صفوف خود را مستحکم تر گرداند. هم اکنون در نیکاراگوئه، خلق ما از نوجوانان ۱۲- ساله تا پیرمردان ۶۰ ساله، مسلح هستند و تصمیم به دفاع از شرافت و حیثیت انسانی خود گرفته اند. بزرگترین توطئه ها را چنین خلقی قادر به درهم کوبیدن است و درهم خواهد کوبید.



۱- تفنگپایان، تانکپایان و تپهپایان به صلح خدمت می کنند (شعاری در ماناگوئه)

س: یکی از مسایلی را که ضد انقلاب در نیکاراگوئه مطرح می کند، وجود کارشناسان نظامی کوبایی در نیکاراگوئه است، آیا این امر صحت دارد؟

این هم یکی از دروغهای بیشرمانه ای است که ضد انقلاب بر علیه انقلاب ما پخش کرده است و بدین ترتیب میخواهد ماهیت تجاوزگرانه خود را بپوشاند. در تمامی نیکاراگوئه یک مشاور نظامی کوبایی وجود ندارد. البته این بدان معنی نیست که در نیکاراگوئه کوبایی ها حضور ندارند. ۲۰٪ از کل کادر آموزش و بهداشتی ما را کوبایی ها تشکیل میدهند و شما آنها را در سراسر نیکاراگوئه چه در دهکده های دور افتاده مرزی و چه در ماناگوئه میتوانید ببینید و لازم به پنهان کردن هم نیست.

س: یکی از مهمترین وظایفی که دولت انقلابی نیکاراگوئه در پیش روی خود داشت محو بیسوادی و سوادآموزی بود، میتوانید راجع به کمبودها و یا مشکلات این امر مهم توضیحی بدهید؟

وقتی که آدم به عقب و وسعت مساله توجه

در روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ مطابق با ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸، انقلاب خلقی نیکاراگوئه به رهبری جبهه ساند نیست هابه پیروزی رسید. انقلاب نیکاراگوئه تقریباً همزمان با انقلاب ایران اوج گرفت و پیروزگشت. مردم ایران در همان هنگامیکه در کار درهم شکستن سلطنت امپریالیستهای آمریکایی و سرنگونی رژیم دست نشانده امپریالیسم بودند، با شوق، انقلاب نیکاراگوئه را پیگیری می نمودند، که در گوشه دیگری از جهان، همان آماجها را نشان گرفته بود. نبرد همزمان در راه استقلال و آزادی و در جهت تحقق عدالت اجتماعی، پیوند همبستگی و یژه ای را در میان مردم دو کشور برپا آورد. اینک در حالیکه حاکمیت پس از انقلاب در ایران، راه خیانت به مردم را در پیش گرفته و به سازش و تسلیم کشیده شده است، انقلاب نیکاراگوئه همچنان با گردن فرازی پیش می رود، همه تشبیهات کین توتانه امپریالیستی و توطئه های ضد انقلابی را نافرجام گذاشته است.

در سراسر جهان سالگرد انقلاب نیکاراگوئه با شوق و غرور، جشن گرفته می شود، به همین مناسبت در شهر برلین غربی جشنی تحت عنوان "شب نیکاراگوئه" برگزار گردید. در این جشن، یکی از مقامات سفارت نیکاراگوئه در جمع، در مکرانیک آلمان نیز شرکت داشت. ایشان در مصاحبه ای با "اکثریت" به سؤالاتی چند پیرامون انقلاب نیکاراگوئه و وضعیت کنونی آن پاسخ گفت. ضمن تشکر من این مصاحبه را برای خوانندگان "اکثریت" درج می کنیم.

س: در روزهای آتی خلق نیکاراگوئه پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب خود و آغاز ششمین سالگرد حیات پیروزمند انقلاب را جشن میگیرد. میتوانید بطور خلاصه بگوئید که در آستانه ششمین سال پیروزی چه وظایفی مشخصی دولت و مردم انقلابی نیکاراگوئه در پیش دارند؟

بطور خلاصه و جمع بندی شده، مهمترین وظیفه در این سال، بازهم مبارزه پیگیر و بی امان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و مبارزه برای نابودی کامل ضد انقلاب و حفظ و بسط دستاوردهای انقلاب در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی می باشد. بهبود وضع عمومی مردم، ادامه مبارزه با بیسوادی و محو کامل آن، بسط سیستم بهداشتی، سعی بیشتر در مکانیزه کردن کشاورزی و ایجاد صنایع سبک و متوسط، اینها وظایفی هستند که همگام با مبارزه با ضد انقلاب سازمان یافته از طرف "سپا" باید بانجام رسانده شوند.

س: فشارهاییکه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر خلق نیکاراگوئه



۲- مرکز دولت در ماناگوئه، کارلوس فون سکا موسس جبهه آزادیبخش ساند نیست F.S.L.N که در مبارزه چریکی در سال ۱۹۷۴ به شهادت رسید.

بر روی شعار آمده است: هر کارگر، یک مبارز در راه دفاع از انقلاب و ساختمان سوسیالیسم (آنها وارد نمیشوند) منظور ضد انقلابیونی است که در خارج از مرزها مستقر و سعی در رخنه کردن به خاک نیکاراگوئه انقلابی را دارند.

کند، بهمان اندازه به عقب و وسعت مشکلاتی که باید از پیش پای برداشته شوند هم میرسد. بعد از پیروزی انقلاب، تقریباً ۸۰-۷۰٪ مردم در بیسوادی مطلق بسر میبردند. مبارزه با این عامل عظیم عقب ماندگی احتیاج به رهبری دقیق و منضبط، اراده آهنین و هراس نداشتن از مشکلات و بهره گیری از کلیه امکانات بود. ما در عرض چهار سال، یعنی تا یکسال پیش تعداد بیسوادی را به سطح ۱۲٪ رساندیم و مطمئن هستیم که در یکسال اخیر از این سطح هم پایین تر آمده است. البته باید از نبودن کادر متخصص، عدم امکانات فنی، نبودن مدرسه، کتاب و قلم، نبودن جاده، توطئه های ضد انقلاب در این رابطه مخصوصاً در نواحی مرز نشین یاد کرد. در این ساله مهم و حیاتی ما هیچگاه، کمک رفقایمان از کوبا را فراموش نخواهیم کرد و ارج خواهیم نهاد.

س: بتازگی رفیق دانیل ارتهگا سفری به کشورهای سوسیالیستی و از جمله به اتحاد شوروی نموده است، می شود چهارچوب مذاکرات رفیق ارتهگا را تشریح کنید و اصولاً چه ارزیابی از این سفر دارید؟

این سفر اصولاً به خاطر شناخت بیشتر نیکاراگوئه از دوستان جهانی انقلاب نیکاراگوئه و گفتگو راجع به بسط روابط با این کشورها در زمینه علمی، فنی، اقتصادی و فرهنگی است. البته به خاطر پایان نیافتن این سفر (تاریخ ۳۰ ژوئن) بیانیه رسمی از طرف دولت نیکاراگوئه انتشار نیافته است، لیکن پس از انتشار این بیانیه ارزیابی دولت انقلابی نیکاراگوئه از این سفر را خواهید دید.

س: در صورت امکان کمی درباره مناسبات فنی ما بین نیروهای مرفقی نیکاراگوئه از جمله حزب سوسیالیست توضیح دهید؟

حزب سوسیالیست نیکاراگوئه یکی از احزاب

انحلال "کمیته انقلاب" شهرپرو جردنسه فقط باعث تخفیف اعتراض مردم ماین شهرشد ، بلکه باعث شد تا اعتراضات گسترش یافته و به تظاهرات بزرگی مبدل شود . این کمیته بخاطر رسوایی بیحد گردانندگان آن و بخاطر اعتراضات مداوم مردم شهر پرو جردن محل گردید . امام — مردم خواستار دستگیری و مجازات گردانندگان این لانه فساد بودند . درحالیکه مسئولین تنهاسه دستگیری رئیس کمیته انکفا کردند . در روز ۱۴ خرداد مردم باره پیمایی و برگزاری اجتماعاتی خواستار محاکمه و مجازات فوری مجرمین بودند . تنهاسا اتهامات بپیرالوند (رئیس کمیته) عبارت بود از :
تکهداری ۸۰ کیلو تریاک در منزل ، پس انداز ۹۰۰ میلیون ریال در بانک ، قتل دو نفر و ۰۰۰۰ مردمی گفتند " پیرالوند اعدام باید گردد " .
مقامات سپاه برای آرام ساختن مردم خشمگین ، رئیس کمیته را در حضور مردم شلاق می زنند . اما مردم همچنان با تکرار خواسته های خود به حضور

در حاشیه

"محروم تر از همه اقشار جامعه،
بازاریان ماهستند"

روزنامه اطلاعات طی ۹ ستون از "صاحب نظران" خواسته است تا در مورد معضلات حکومت پاسخ گوئی کنند.

در یکی از شماره های این روزنامه، پاسخ هایی به سئوالات مزبور درج شده که نه تنها با انتقادترین شکل و غیران ترین وجه هسته اصلی جهت گیری و سیاست های حکومت را افشا کرده است، عین متن برخی از پاسخ ها به قرار زیر است:

"ساده زیستن درست است، ولی نباید با وجود داشتن سرمایه و مال، حلال لباس نو نپوشید و اتومبیل، نوسوار نشد و خانه یا آپارتمان نخرید، بلکه در صورتی که وضع مالی خوب نباشد، اشکال ندارد و ساده زیستن به شدت توصیه می گردد."

چون مهاجرت زیاد می باشد و راه حل مشکل ممکن، عدم اجرای اصلاحات ارضی و برگرداندن زمین های مصادره شده به مالکین و صاحبان آنها و همچنین برگرداندن روستائیان با زور به روستا و ادار کردن آنها به کار برای ارباب.

... باید ما به آن مرحله برسیم که در روستاها مدبران قوی موجود باشد، یعنی مالکین، تا بتوانیم تولید را بالا ببریم و وضع کشاورزی را اصلاح کنیم و مانع اصلاحات ارضی گردیم، آخر کجای اسلام (حوزه) با مالکیت مخالف است. مگر امامان ما مالک نبودند؟

محروم تر از همه اقشار جامعه، بازاریان ما هستند و برای رفع محرومیت اینها باید تجارت آزاد گردد و در اختیار سرمایه داران مومن و مسلمان قرار داد." (اطلاعات، ۷ تیر ۶۳)

صفا و صمیمیت کوخ نشینی !!

مسئول اداره بهزیستی:

"این مسئله (رفع استضعاف) احتیاج به همکاری و فعالیت مستمر رسانه های گروهی و مخصوصا صدا و سیما دارد که با برنامه های مشخص شده و ... خوی کثیف کاخ نشینی را به مردم تفهیم کرده و صفا و صمیمیت کوخ نشینی را برای مردم توجیه کنند." (کیهان ۳ تیر)

يك توضیح قانع کننده!

پرونده انتخاباتی نماینده نوشهر (فرج اله افزانیده) به دلایل زیر مورد اعتراض قرار گرفت:

۱- عضویت در حزب منحل رستاخیز.

۲- شرکت در مراسم نیایش (۲۱ فروردین)

۳- تلاش در جهت تامین منهای شش ماهه معدوم.

... مشارالیه منکر عضویت در حزب رستاخیز و تلاش در جهت تحکیم مبانی رژیم منحوس گذشته شدند و اعلام عضویت را تنها جهت فرار از شکار عوامل ساواک - منحل محرفی کردند.

... نتیجتا اعتبار نامه ایشان با اکثریت آراء به تصویب رسید." (کیهان ۱۸ تیر)

اقتضاح نمایشات تلویزیونی

شیوه معتاد رهبران ۱۰۰، در صحنه - سازهای مسخره و سرتا پا دروغ تلویزیونی باصطلاح "اقرار و توبه"، آنچنان مفتضح شده است که حتی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت هم بیم آن دارد که روزی "کوندگی منطق جمهوری اسلامی" متوجه وی نیز بشود. بازرگان در آخرین جلسه دوره اول مجلس گفته است: "تا در روز دیگر، عمر نخستین مجلس شورای اسلامی که اینجانب عضو آن بوده و از مزایای این عضویت از جمله مصونیت پارلمانی برخوردار بودم بیایان می رسد از پسر فردا من نیز نظیر بقیه مؤکلمین، قاتل تعقیب و بازداشت و تادیب هستم. بهمین دلیل نیز با استفاده از فرصتی که رئیس مجلس در اختیار بنده گذاشته اند می خواهم با اطلاع شما برسانم اگر در روزهای بعد مشاهده کردید که بنده را بازداشت کردند، و بعد با تبلیغات و سرودها اعلام نمودند که بنده جهت بعضی توضیحات و روشن نمودن حقایق در تلویزیون ظاهر خواهم شد، در صورتیکه دیدید آن شخص حرفه ایی، غیر از سخنان دیروز و امروز من میزند و مشعل طوطی مطالبی را تکرار می کند، بدانید و آگاه باشید که فرد مهدی بازرگان نیست."

حقایق (!) چند از زبان سرمقاله نویس

احمد عطاری، سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات:

"ما که الانه در جنگ زندگی نمی کنیم! نه بودجه مان جنگی است و نه مضائق زمان جنگ را می فهمیم. این خیلی مهم است که به مردم مرتباً نگوییم اگر جنگ تمام بشود فلان مسأله خود بخود حل می شود."

"حالا هر کس حرفی می شنود يك کلاغ چهل کلاغ همه جا آنرا جاری زند. اگر بگویند اینطور نیست دروغ می گویند. توی اتوبوس تاکسی، در صف شیر و نانوايي، موقع گرفتن کوپن و خلاصه هر جا که بشود گزید می گزیند، بی آنکه ترسی در بین باشد. من سباهی و من کمیته چي هم که اینها را می بینم و می شنوم برای خودم حق زدن و بستن و خبر چینی کردن قائل نیستم (۱۱) نباید هم باشم (۱۱). فقط تلاش می کنم که بگویم آقا، خانم اشتباه می کنید، مطلب از این قرار است که ... " (اطلاعات ۱۲ تیر)

کاسه داغتر از آتش

کلاشان بین المللی که هزارگانه های مناسب سمینارهای باصطلاح بین المللی در هتل های تهران می خورند و می خوابند،

گاه در دروغگوئی و تعلق گوئی سبقت را از کلاشان داخلی نیز می ربایند. پرفسور میر از دانشگاه ناتال یکی از آنها گفته است:

"انقلاب اسلامی ایران راه دیک - ری در برابر سرمایه داری و کمونیسم ارائه داده است و قهرتین وجه این انقلاب، جنبه اقتصادی آنست ... تجربیات ایران طرف پنجمال گذشته نشان داده که يك حکومت مذهبی ضمن اینکسبه می تواند مردم را آزاد و آزادی آنان را تأمین نماید قادر است فقر را نیز از بین ببرد." (کیهان ۱۴ تیر)

طرح های جمهوری اسلامی

وزیر نفت در مورد امکانات چشم - روی اسلامی در زمینه زندگی اقتصادی بدون درآمد نفت گفت: "تاریخ نشان داده است که ملت ما قادر است بدون اقتصاد نفتی زندگی کند و در حال حاضر نیز کاملاً آمادگی را دارد. ضمناً دولت جمهوری اسلامی وظیفه خود می داند در امور اداره کشور بدون نفت طرح های اجرا نماید، که بعضی از آنها را سروسامان داده است." (کیهان ۱۶ تیر)

بنظر می رسد از جمله طرح های حکومت که می تواند در حال حاضر "جهان ۲۴ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت را بکند و در سوهان و نعلین از قم، کمبوت از خراسان، زیره از کرمان و پسته از رفسنجان باشد."

شهروندان و نحوه اداره شهرداریها

در مطبوعات صبح و عصر مصاحبه وزیر - کشور با تیتیر درشت زیر به چاپ رسیده است:

"اداره شهرداریها به شهروندان واگذار می شود" (مطبوعات ۱۴ تیر)

وزیر کشور در این مصاحبه گفته است:

"بر اساس قانون شهرها، وزارت کشور، شهرداریها را به شهروندان تحویل خواهند داد" (همانجا)

البته جای تعجب ندارد، حتی در حکومت بی قانونی و قانون شکنی و خیانت، اگر به قانونی استناد شود حتماً باید خبری باشد. خود جناب وزیر خبر اصلی را در ادامه مصاحبه خود می گوید:

"بدین ترتیب اداره و نیز تامین بودجه هر يك از شهرداریها بعهده شهروندان آن شهر محول می شود" (همانجا)

صدور انقلاب از طریق "گریپ فروت"

زالی وزیر کشاورزی:

"اگر در جنوب مرکبات خوب بعمل می آید باید مورد حمایت قرار گیرد به نحوی که صادر شود و مثلاً بازار خلیج فارس را بگیرد و این مسأله خودش برای صدور انقلاب ما ارزش دارد. مثلاً اگر در بهرم "گریپ فروت" خوب بعمل می آید نباید آنرا محصول غیر اساسی حساب کنیم." (اطلاعات ۲۰ تیر)

مثل ۸۸ سال پیش!!

"۸۸ سال پیش، دریاچه‌های المپیک ۱۸۹۶، یک دوندۀ ای استرالیایی بنام "ادوین فلاک" مسافت ۱۵۰۰ متر را در ۴ دقیقه و ۲۳/۲ ثانیه دوید. در همین دوره دوندۀ دیگری بنام "توماس بورك" ۴۰۰ متر را در ۵۴/۳ ثانیه پیمود. در المپیک ۱۹۰۰ یعنی ۸۴ سال قبل شخصی بنام "الوین کرنز لاین" آمریکایی ۷/۵۵ متر پیرید. در المپیک برلین مـردی بنام "کنت کارپنتر" دیسک را به مسافت ۵۰/۷ متری پرتاب کرد."

و حالا بشنویم و مقایسه کنیم حدنصابهایی را که دوندگان و پرندهگان خودمان در مسابقات قهرمانی کشور، در شیراز بجا نهادند.

"هاشم قربانعلی از تهران در ۵۰۰ متر با زمان ۴ دقیقه و ۵/۶۶ ثانیه اول می شود، یعنی زمانی که اندک فاصله‌یی باز کرد المپیک ۱۸۹۶ دارد و بهنام زارع از فارس در ۴۰۰ متر چنان می دود که اگر ۸۸ سال پیش باهمی—ن قدرت کنونی می دودید، عقب تراز "توماس بورك" قرار می گرفت و جایی در المپیک آن سال نداشت.

در پهرش طول موسوی از کرمان و قتی خودش را از زمین می کند ۶/۷۳ متر و در رتبه پایین می آید که ۸۴ سال پیش ۸۰ سانتی متری بیشتر از او می پزند. رکورد ۵۰ متری قربانی در دیسک که ۵۰۰ متر اعتراض این و آن قرار گرفته و سبب می شود که او را به آزمایشگاه بکشاند تا مگر به دو پیچ دست نزد باشد. چیزی است که ۴۸ سال قبل دریاچه‌های المپیک بجا ماند."

(دنیا و ورزش ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۳)

مدیران نالایق دولتی، عامل تخریب

بی کفایتی های مدیران کارخانه ها و موسسات دولتی که برای خود شیرینی و تشدید استثمار کارگران دست به احقاقانه ترین کارها می زنند همواره خرابی ها و زیان های فراوانی بپا می آورد. تأسیسات مس سرچشمه منحصر ا توسط این مدیران اداره می شود و به همین خاطر آسیب بسیار به تأسیسات آن وارد شده است. اخیراً دستگاه آهن خردکنی آن از کار می افتد. مدیریت اصرار می کند تا بهمان صورت و بس و ن رفع نقض آنرا مجدداً بکار اندازند. امتناع کارگران بی نتیجه می ماند. در نتیجه، پس از راه اندازی مجدد، دستگاه منفجر شده و به بخشهای دیگر نیز خسارات هنگفتی وارد می کند.

نمونه دیگر آن در کارخانه البرز است که کارگران هنگام آغاز کار متوجه می شوند، از سوی مسئولین، چهار دستگاه در یک پریز بدون ترانس قرارداد شده است. اگر کار در این حالت شروع می شد، انفجار و آتش سوزی مهیبی رخ می داد. کارگران از کار بایان دستگاهها خود داری می وزند و به طوری در مقابل مسئولین کارخانه، می ایستند.

صیفی کاران زحمتکش جنوب دست خالی و بدعکار به خانه های خود بازگشتند

کشاورزان از عرضه محصولات نوبری خود به شهرهای قم، اراک و تهران که به قیمت مناسب تری به فروش می رسید، محروم ماندند. محصولات آنها که بارنج فراوانی به دست آمده بود، با قیمت بسیار ناچیزی برای جبهه هاجم ج آوری شد. کشاورزان که می خواستند، حداقل برداشتهای بعدی (چین های دوم و سوم) محصولات خود را در شهرهای دیگر ایسترا ن بفروشند، به "دفتر امام"، رئیس جمهور و مجلس و دولت تلگرافهای زیادی زدند، نتیجه اینها زین تلگرافها به "مراج" و دولت نگرفتند. در این میان خیارکاری به چین سوم رسید و به علت رسیدن محصول خیار سایر استانها، از جمله لرستان به بازار، بهای خیار از کیلویی سی تومانی به هفتالی هشت تومانی تنزل کرد.

در مورد سایر محصولات صیفی کساری خوزستان نیز وضع به همین صورت بود، پاسداران از خروج دهها کامیون هندوانه از این منطقه جلوگیری کردند و محصولات کشاورزان در مقابل چشمان کشاورزان گنبد. صیفی کاران جنوب، بویژه خیارکاران در زفول و اندیشک، پس از تحمل چندین ماه رنج و زحمت با دست خالی و بدعکار به خانه های خود بازگشتند. و منتظرند در روزهای آینده بزرگ مالکان به کمک همان پاسدارهایی که خیار و هندوانه شان را خورده اند، به درخانه های آنها بیایند تا بقیه اجاره خود را مطالبه کنند و چون آهی در ساط ندارند، روانه زندانهای رهبر مستضعفین جهان گردند.

قسمت بزرگی از زمینهای اندیشک و زفول همه ساله زیر کشت خیار می رود. امسال نیز زمینداران بزرگ، زمینهای صیفی کاری را به مدت یک ساله و دو ساله با اجاره بهای گزاف به کشاورزان بی زمین و کم زمین اجاره دادند، تا خود، کماکان در منطقه جنگ زده نباشند و غرض هو ا پیما و موشک ها، آرامش خاطرشان را بهم نرسانند.

کشاورزان بعد از صرف مخارج زیـاد و خریداری تخم خیار به بهای یک کیلو بین پنج هزار تا پنج هزار و پانصد تومان، تخم گوجه فرنگی بین چهار هزار و پانصد تا پنج هزار تومان و کدو مرغی به قیمت هرامشین، هفت هزار تومان و بـا تهیه حفاظ های پلاستیکی به قیمت گزاف و کشیدن آن روی کرت های صیفی کاربرهای خود، توانستند، صیفی جاتی به وسعت زیاد بکارند.

در موقع برداشت محصول، سپاه پاسداران با تمام نیرو در مقابل کشاورزان قرار گرفت و اعلام کرد: "هیچ زارعی حق ندارد محصولش را از مرز خوزستان بیرون ببرد، زیرا محصول مال خوزستان است و باید در خوزستان مصرف شود." با توجه به اینکه در خوزستان، بویژه در آبادان و خرمشهر، بجز سپاه و بسیج و ارتش مصرف کننده دیگری وجود ندارد و همچنین در زفول و اندیشک جمعیت ناچیزی بسر می برند که پس از حملات موشکی در کوهستانها بسر می برند و جهت خرید هر چند روز یک بار به شهر می آیند، می توان به نتایج دستور العمل سپاه پاسداران که به زور سر نیزه به کشاورزان جنوب تحمیل شد، پی برد.

عدالت به چه دردی خورد؟

زندگی در پاسخ آنها که از سرنوشت این پولها جویا شده بودند گفته بود که صدوق قرض الحسنه و مدرسه فیضیه دختران را تأسیس کردم. با اینکه نتیجه بازرسی، تأیید اختلاسهای بی حساب بود اما هیات سرپرستی فوق همچنان به کارش ادامه داد. تا چندی قبل بالاخره حاکم شرع با خیران اجدادی را از کار خلع و بازداشت می کند. این اقدام حاکم شرع خشم مقامات مسئول را برمی انگیزد. دادستان کل کشور آیت الله صانعی، بعنوان مجازات، حاکم شرع را عزل می کند. حاکم معزول اعتراض کنان به آقای صانعی می گوید، "من که جز اجرای عدالت کاری نکرده ام" صانعی با غضب پاسخ می دهد که "عدالت به چه دردی خورد، آبروی روحانیت را به خطر انداخته ای."

پس از انقلاب نمایندگی ایران ناسیونال در باختران توسط هیاتی متشکل از "حاج آقا زندی" نماینده این استان در مجلس خبرگان، معصومی از سرمایه داران بزرگ شهروسیسد محدود اجدادی سرپرستی می شد. اجدادی "مکتبی" نمونه و برگزیده مسئولین شهریود. ایشان که اموال تحت سرپرستی خود را بیابسه غنیمت جنگی تلقی می کرد با حمایت و همراهی دیگر اعضای هیات به تاراج آن پرداخت و از ازیـن بابت میلیونها تومان به جنگ آورد. همه درآمدهای واحد بجای اینکه به حساب شرکت ریخته شود، به حساب این سه نفرو اریزمی شد. آنها بابت هر خود روی و اگدا شده ۵۰ هزار ریال علاوه بر نرخ مقرر ریافت می کردند. فساد بجایی می رسد که به ناچار کسانی از شورای عالی قضایی در سال ۶۱ برای بازرسی اعزام می شوند.

به مناسبت سالگرد آغاز جنگ داخلی اسپانیا ۱۹۳۶-۳۹

اسپانیا، صخره شهامتی که از هم شکافت

جنگ داخلی اسپانیا، شکوه رزم دلیرانه کمونیست‌ها و دموکرات‌های اسپانیایی، دوشینه دوش کمونیست‌های فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، لهستانی، روسی، بلخاری، بریتانیایی، کانادایی و آمریکایی که برای مهار کردن فاشیسم به یاری جبهه متحد خلق در اسپانیا، شتافته بودند، هنوز هم، بعد از گذشت سال‌ها، الهام بخش تمامی کمونیست‌ها و دموکرات‌های جهان است.

جنگ داخلی اسپانیا، زمانی آغاز شد که جهان بی وقفه به سوی جنگ بزرگی گام می‌گذاشت. هیتلر و موسولینی از همان آغاز برای کمک به فرانکو، نفقات و مهمات به داخل اسپانیا سرازیر می‌کردند. این امر برای تمامی کشورهای «دفاشیستی» خطر عظیمی دربرداشت. مسلماً پیروزی جبهه متحد خلق در جنگ داخلی اسپانیا، برای تمام مبارزه ضد فاشیستی و جنگ، اهمیت حیاتی داشت. کمونیست‌ها، بادرک عمیق این موضوع و مطابق با آن عکس العمل نشان دادند. احزاب کمونیست سراسر اروپا و آمریکا از کارگران دعوت کردند، برای مبارزه در اسپانیا و اوایل بودند. بریگا‌های بین المللی، که

به این ترتیب بوجود آمد، نه تنها از کمونیست‌ها، بلکه از سوسیالیست‌های چپ، و سایر مبارزین تشکیل می‌شد و در آن از ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

اتحاد شوروی هواپیما، سلاح، غذا و مشاور نظامی برای کمک به نیروهای جمهوریخواه فرستاد و در سازمان ملل برای شناسایی رسمی جمهوری اسپانیای در حال نبرد، به مبارزه دست زد. کمترین به بین الملل دوم پیشنهاد کرد که یک جبهه متحد جهانی از طرف جمهوری اسپانیا تشکیل شود. مذاکراتی در این مورد صورت گرفت، اما به لحاظ مواضع سازشکارانه آن، هیچ نتیجه‌ای نداد.

سوسیال دموکرات‌های دولتهای مختلف اروپای غربی، با اتخاذ سیاست «بیطرفی» و «عدم مداخله»، در شرایطی که ضد انقلابیون فرانکوئی از کمک نظامی بزرگ خارجی برخوردار بودند، جمهوری اسپانیا را از سلاح‌های مورد نیاز محروم ساختند.

ارتش جمهوریخواهان، تحت این شرایط سخت، به نبرد قهرمانانه و نابرابر دست یازید. نبردهای مادرید، بگو و الا جارا، جارا،

تروئل و بسیاری دیگر، نام مبارزین دلیس جمهوریخواه را برای همیشه در تاریخ مبارزات پرولتاریای انقلابی ثبت کرده است. در نتیجه این مبارزه نابرابر، پس از سه سال مبارزه، که جهان ضد فاشیستی از آن الهامی گرفت، در ۲۸ مارس ۱۹۳۹، مادرید سقوط کرد و جنگ سخت و خونین به پایان رسید. فاشیست‌ها فاتح، سر مست از انتقام جویی و وحشیگری ده‌ها هزار نفر از اسیران خود رازندانی نموده و به قتل رساندند. تقریباً بیش از نیمی از کمونیست‌ها و دموکرات‌های سایر کشورها که در کنار انقلابیون اسپانیایی می‌رزمیدند، دیگر به زادگاه خود بازنگشتند.

رهبری واقعی جنگ داخلی اسپانیا، در دست کمونیست‌ها بود. آنها بودند که نقش واقعی جبهه خلق را درک می‌کردند و نیز آنها بودند که استعداد سازماندهی، و روحیه مصممانه مبارزه جویی لازم را درآوردند.

شکست جبهه خلق در جنگ داخلی اسپانیا، سیاست‌های سازشکارانه و خائنانانه دموکراسی‌های بورژوازی غرب و متحد و فاداران آنها، بین الملل دوم را افشا نمود. و همچنین قدرتهای فاشیستی را برای تهاجم بیشتر تشویق کرد. شکست جمهوری اسپانیا راه را برای جنگ دوم جهانی گشود.

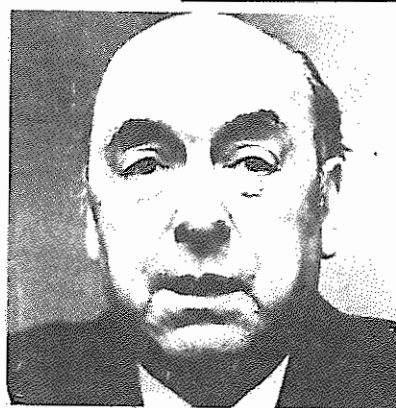
راه‌های صحیح بود. در طول تقریباً ربع قرن آشنایی من با پابلو نرودا، زندگی در جهان مابرای کمونیست‌ها با مشکلات غیر مترقبه همراه بود. در آن سال‌های سخت، کم نبودند هنرمندانی که و سوسا به اصطلاح راه سوم آنها را به دنبال خود می‌کشید. علت هم این بود که معلوم شد راه کمونیسم بسیار طولانی‌تر و صعب‌تر از آن است که در آغاز به نظرم رسید، آنقدر طولانی، که شاید عمر کفاف ندهد، و آنقدر صعب، که شاید اراده نماند.

در وجود نرودا، ایحانی تزلزل ناپذیر به آینده می‌زیست. این ایمان، جزئی بسیار مهم و تفکیک ناپذیر از تصویری است که از نرودا بعنوان انسان، سیاستمدار و شاعر در ذهن من نقش بسته است. صحت این ارزیابی درباره نرودا را تمام زندگی او و همه اشعارش تصدیق می‌کند. در هر یک از کتابهای او، از «اسپانیا در قلب‌ها» و «سرود نوی عاشقان» به «استالینگراد» گرفته تا «سرود بزرگ»، هنر پرندگان و «یا جبهه فصل قلب»، با همه تنوع و با گستره عظیمی که اشعار او دارد، این عقیده را سخ به آینده بشریت به چشم می‌خورد.

امید و نتردید، از نظر من مهمترین نکته درباره نرودا ایمان غرو آمیز، عمیق و بی‌شبه به کمونیسم و همچنین نفرت عمیق و آشتی ناپذیر علیه هر آنچه و هر آن کس که آگاهانه و ناجوانمردانه به مبارزه با این آرمان بزرگ برخاسته است، می‌باشد. ایمان و نفرتی که در کلیه اشعار او ریشه دوانده است.

پابلو نرودا، شاعر بزرگ خلق شیلی، از زبان کنستانتین سیمنوف نویسنده شوروی:

“او همواره آینده را باور داشت”



او در راه هدفی که بدان باور داشت پیکاری کرد، و این هدف، کمونیسم بود. او بسیاری اندیشید و بسیار رنج می‌کشید، از پیروزی هاشادمان می‌گشت، و اشتباهات و نواقص کار او را به خشم می‌آورد. او حقایق نامطبوع را صریحاً به زبان می‌آورد و همواره، از جراحی دراز مدتین، بخصوص آنهایی که به دنبال کسب همدردی با خیانت خود بوده و در ملا عام، بخصوص در مطبوعات بورژوازی، عجز و لایه می‌کنند، نشان می‌داد.

او در حافظه من چنین نقش بسته است: مرد سیاست و مرد وظیفه. انسانی که برای خود راه‌های ساده راجستجو نمی‌کرد، بلکه به دنبال

ازتولد ریکاردو ایلسو نو فالتی ریسن باسوالتو "شاعر بزرگ خلق شیلی، که جهانیان او را بنام مستعارش، پابلو نرودا، می‌شناسند، ۸۰ سال گذشت. پابلو نرودا، مبارز خستگی ناپذیر صلح و دموکراسی، که در نزد مردم میهن خود از محبوبیت خاصی برخوردار بود، بعنوان کاندیدای حزب کمونیست شیلی به مجلس سنای این کشور راه یافت. وی در سال ۱۹۵۳ جایزه صلح لنین و در سال ۱۹۷۱ جایزه ادبیات نوبل را دریافت داشت. چند روز پس از کودتای فاشیستی ۱۹۷۳ در شیلی، وی زیر بار بزرگ غم بدروید حیات گفت ۱۰ سال، هزاران نفر در گورستان سانتیاگو پایتخت شیلی گردآمدند تا علیرغم "مفوعیت" مقرر شده از سوی رژیم، هشتادمین سالگرد تولد نرودا را گرامی دارند. در سراسر شیلی میتینگ‌ها و جلسات یادبود بدین مناسبت برگزار شد.

کنستانتین سیمنوف نویسنده بزرگ شوروی، که بانرودا از نزدیک آشنایی داشت، شاعر بزرگ خلق‌های شیلی و آمریکای لاتین را چنین توصیف می‌کند:

"... او فردی با عقاید استوار درباره گذشته، حال و آینده بشریت، درباره انسان‌های کاروانسان‌های سود، درباره صلح و جنگ و درباره دوست و دشمن بود."

اکثریت

نشریه هواداران سازمان دالبین خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۶۳ برابر ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۶

تلاشهای اخیر دولت برای مهار تورم:

دست و پا زدن در يك با قلاق

قیمت خدمات و کالاهای مصرفی اساسی به کسبه با توجه به ضریب اهمیت هریک از اقلام منظور شده در محاسبه، بدست می آید. از سال ۵۷ تا ۵۸ به میزان ۲۰/۱ درصد، از ۵۸ تا ۵۹ به میزان ۴۶/۲ درصد، از ۵۹ تا ۶۰ به میزان ۵۵/۴ درصد و از ۶۰ تا ۶۱ به میزان ۵۷/۳ درصد، رشد داشته است. ضریب رشد بقیه در صفحه ۴

شتاب روزافزون تورم در ایران، به حرکت بهمینی می ماند که دم بدم سرعت بیشتری گرفته و مانع ست و بی بنیادی را که در مسیر آن، بر پا می سازند، با اولین ضربه، به یکسو می افکند. حتی توجه به آمارهای ساختگی ارائه شده از سوی ارگانهای ذیربط رژیم ج ۱۰ نیز می تواند دال بر افکار گسیختگی تورم موجود باشد. بر مبنای همین آمارها، شاخص عمومی

ارگانهای سرکوب رژیم باز هم گسترش می یابند

رژیم جمهوری اسلامی با ریش گزفتن راه خیانت به انقلاب، خود را با مردمی رو پسر می بیند که همچنان تحقق اهدافی را پی گرفته اند که انقلاب در دستو رکار قرار داده بهود. د ولت مردان جمهوری اسلامی که گمان می کردند با تلفیقی از فریب و سرکوب قادر خواهند شد مردم را به تمکین در برابر مطامع خود بکشانند، اینک با هراس درمی یابند که "با مردم آگاهانی رو برو هستند"، از تأخیر روغ و فریب کاسته می شود و پایه توده ایشان باز هم ننگ تیر می گردد و هر چه بیشتر بر سرکوب تکیه می کنند، ارگانهای سرکوب سابق تقویت می شوند و ر کنار آنها ارگانهای تازه تری ایجاد می گردند.

یکی از فرماندهان سپاه پاسداران اخبار طی مصاحبه ای رسماً اعلام داشت که از این پس هر ساله قریب صد هزار نفر از مشمولین و وظیفه در اختیار سپاه قرار خواهند گرفت. به این ترتیب برانویه نفرات سپاه، چند صد هزار تن دیگر افزوده خواهد شد. این در حالی است که پیش از این نیز، نوجوانان و جوانانی که درواخدهای بسیج مستضعفین گرد آ و رد ه شده بودند، در اختیار سپاه قرار داده شدند. برای تعلیم و نگهداری و تأمین تدارکات و تجهیزات این نیروی عظیم، از هیچ گشاده دستی خود داری نشده است. در یکی از نمایشاتی که اخیراً در تهران برپا شده بود، صف پاسدارانی که سوار بر تیروبی ام ۱۰ و آر ۱۵۰۰

بقیه در صفحه ۲

حکومت تجار و مالکان و نمایش "هفته کمک به مستضعفین"

اساسی که خواهان مهار غارتگری، سرمایه داری و محور بزرگ مالکی در جهت رفع محرومیت توده ها، دهها میلیونی زحمتکشان شهرها و روستاهاست، سیاست رسیدگی به حال محرومان و رفیع محرومیت از طریق "اعانات"، "صدقات" و "احسان" صاحبان سرمایه و ثروت را، به سیاست راهبر مورد تأکید قرار میدهند. سازمان بقیه در صفحه ۳

هفته "کمک به مستضعفین" با جبار و جنجال گوشخراش رهبران ج ۱۰ و به سرمداری عسکرا وادی معلوم الحل برگزار شد. رهبران ج ۱۰ به عید از زیر پا نهادن تمام مواعد خود به "مستضعفان"، در زمینه تأمین عدالت اجتماعی، اکنون به وقتاحت مشغولکنند، بجای تأکید بر انجام اصلاحات بنیادین اقتصادی - اجتماعی، و اجرای آن بخش از فصول و اصول قانون

ایران بهشت قاچاقچیان بین المللی

کسبه در راس آنها، سازمانهای ضد انقلابی و مزدور افغانی قرار دارند، این روزها در مرزهای شرقی ایران آنچنان وسعت یافته است که روزنامه کیهان در گزارشی پیرامون همین مساله می نویسد: "کاروانهای امل مواد مخدر گذرگاههای کم عرض و کوره راههای متروک مرزهای شرقی را پشت سر گذاشتند و دهها تن هروئین بقیه در صفحه ۵

یکی از پیامدهای جریان هجرت و دستجات او باش و اشار و قاچاقچی افغانی به کشورمان، در کنار فساد اجتماعی، بینداری نظیر دزدی، مجناتیت، آدم کشی و... که از جانب همین دستجات باصللاح مبارز و مجاهد صورت می گیرد، اشاعه فاجعه آمیز اعتیاد و گسترش دامنه پخش مواد مخدر در میهنمان است. ابعاد فعالیت قاچاقچیان بین المللی

کمک های داوطلبانه دیروز سرکسسه کردن شیادانه امروز

در صفحه ۵

بیا قابه یاد شهیدان تیر!

در صفحه ۲

بردنها و بردنها

گزمه ها و گشتی ها

در صفحه ۵

اسپایان، صخره شهامتی که از هم شکافت

در صفحه ۱۰

صیفی کاران زحمتکش جنوب

دست خالی و بدهکار

به خانه های خود بازگشتند

در صفحه ۹

مصاحبه نشریه "اکثریت"

با یکی از مقامات سفارت نیکاراگوئه

در "شب نیکاراگوئه"

در صفحه ۶

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند



رویدادهای جهان

تشکیل کمیته ویژه برای کمل به قطع جنگ ایران و عراق

نمایندگان احزاب و سازمانهای اجتماعی و دانشمندان ۱۰۷ کشور در کنفرانسی که در بغداد بمنظور بررسی عواقب خطرناک جنگ ایران و عراق برای صلح و امنیت بین المللی برپا گردید، شرکت کردند. در این کنفرانس، بسیاری از سخنرانان اظهار داشتند آمریکا از جنگ ایران و عراق برای افزایش حضور نظامی خود در منطقه استفاده می کند. در این کنفرانس، تصمیم گرفته شد کمیته ویژه ای برای کمک به قطع عملیات جنگی میان ایران و عراق، تشکیل گردد. جنگ ایران و عراق همچنین یکی از موضوعهای مورد بحث در کنفرانس روسای پارلمان های کشورهای عربی بود که روز دوشنبه ۲۵ تیرماه در دمشق گشایش یافت.

امضاء موافقت نامه، میان سازمانهای عمده فلسطینی

در الجزیره، موافقتنامه ای میان سازمانهای عمده جنبش فلسطین، فتح، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه آزاد ییخش فلسطین و حزب کمونیست فلسطین به امضاء رسید. در این سند، ضرورت تحکیم انسجام و بهم فشردگی صفوف سازمان آزاد ییخش فلسطین بمثابه نمایندگی قانونی خلق عرب فلسطین مورد تاکید قرار گرفته است. موافقتنامه همچنین اشاره دارد که مشی میهن پرستانه "ساف" باید حفظ و تقویت شود. شرکت کنندگان در مذاکرات، لازم دانستند که اجلاس جدید شورای ملی، پارلمان فلسطین، تا روز پانزدهم سپتامبر سال جاری تشکیل شود.

واشنگتن پست: "مجاهدین" افغانی راهزن، قاتل و قاچاقچی اند

اگر تابحال در مطبوعات و رسانه های بورژوازی، از ضد انقلاب بین افغانی بعنوان " مبارزان آزادیخواه"، " مجاهدین مسلمان" و... نام برده می شد، حال پاره ای عوامل باعث شده است که " شاه" کارهای این اشرا در برخی روزنامه های غربی نیز بازتاب یابد. مهمترین دلیل این خود افشاگری، آن است که اربابان آمریکایی و اروپایی از نتیجه چند سال کمک های میلیونی نقدی و ارسال اسلحه برای " مجاهدین" افغانی چندان راضی نیستند. زیربستاری از سران گروه های اشرا، بجای انجام وظیفه خود، خرابکاری و جنایت در افغانستان انقلابی، سخت پیوسته پرکردن جیبهای خود و یا لا بد بردن رقمند وخته. هایشان در بانکهای سوییس مشغولند. انتشار

آن قادر به حمل اسلحه هسته ای هستند، انجام مانورهای نظامی سالانه در خلیج فارس، اختصاص ۲۵ میلیارد دلار به نظامی کردن خلیج فارس در عرض ۵ سال، تشکیل نیروی واکنش سریع و " فرماندهی مرکزی" که حوزه عمل آن ۹ کشور و از جمله ایران را در برمی گیرد، از جمله اقدامات مفسده جو یانه آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس است. تشنج آفرینی اخیر در خلیج فارس چهره آمریکارایحنوان دشمن صلح و امنیت منطقه افشا نمود.

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری علیه سیاستهای ریگان

روز یکشنبه ۱۵ ژوئیه، حدود ۲۰۰ هزار کارگر و کارمند آمریکایی در خیابانهای سانفرانسیسکو به راهپیمایی پرداختند. تانسیت به سیاستهای داخلی و خارجی ریگان اعتراض کنند. این راهپیمایی به ابتکار و دعوت اتحادیه های سندیکایی برگزار شد و مردم از تمام مناطق آمریکاداران شرکت داشتند. شعارهای عمده راهپیمایان عبارت بود از: " ما کار و صلح می خواهیم، " مرده باد مسابقه تسلیحاتی! " و " حقوق و آزادیهای اتحادیه ها را تضمین کنید ".

هفته بین المللی همبستگی با مردم نیکاراگوئه

از پانزدهم تا ۲۱ ژوئیه، هفته بین المللی همبستگی با مردم نیکاراگوئه است. در چارچوب این هفته، در کشورهای گوناگون به نشانه پشتیبانی از مردم قهرمان نیکاراگوئه که هدف دسیسه های خصمانه آمریکا و باند های ضد انقلابیون تحت حمایت " سیا" قرار گرفته اند، اجتماعات و راهپیمایی هایی برگزار می گردد. از جمله، می توان از برگزاری تظاهرات در رمبشی، کلکته، مدرس و سایر شهرهای هند وستان به دعوت کنگره اتحادیه های صنفی سراسر هند وستان، حمایت شرکت کنندگان در تظاهرات ۲۰۰ هزار نفره در سانفرانسیسکو از مبارزه مردم نیکاراگوئه، جمع آوری اعانه در کشورهای مختلف برای کمک به ساختن مدارس، بیمارستانها و... در نیکاراگوئه و... نام برد.

جنبش اعتصابی

در بریتانیا گسترش می یابد

چهار ماه پس از آغاز اعتصاب کارگران معادن بریتانیا در اعتراض به برنامه های دولت برای تعطیل تعدادی از معادن بزرگ و اخراج کارکنان آنها، که همچنان ادامه دارد، کارگران تمام بناد مهم بریتانیا نیز به اعتصاب دست زدند. هدف از این اعتصاب، اعلام همبستگی با معدنچیان و نیز تحقق برخی خواسته های کارگران بناد راست. دولت تاجر قصد دارد در مقابله با این اعتصاب نیز از حربه زور استفاده کند. از جمله، اعلام حکومت نظامی و استفاده از سربازان بجای کارگران بناد تحت بررسی است.

این یا آن گزارش در مطبوعات غرب، درباره گوشه ای از حقایق که افشاگر رهبران مسلمانان افغانستان است، بمنظور تحت فشار قرار دادن آنها انجام می گیرد، تا این " رهبران" از دلارهای آمریکایی در جیبی که منظورشده (انجام عملیات ضد انقلابی در افغانستان) استفاده کنند و نه برای زراعت و زیربنای معنوی مثال، " سلیک هریسون" که در سالهای اخیر " رهبر" های زیادی در مورد افغانستان برای مطبوعات بورژوازی غرب نوشته و دروغ های بسیاری پراکنده است، اخیراً طی مقاله ای در واشنگتن پست روزنامه آمریکایی، از برخی موارد اختلاس، ارتشاء، قاچاق مواد مخدر، راهزنی و قتل دارد و گاهی ضد انقلابیون افغانی در پاکستان برده برداشته هریسون می نویسد و قتل آن فرا رسیده که از " مجاهدین" افغانی همانطور که حقیقتاً هستند نام برده شود، یعنی " اشرا و مزدوران" وی می افزاید این " مجاهدین"، به " مبارزه" خود تنها بمنظور پرکردن جیب خود از پول سرویس های جاسوسی غربی ادامه می دهند.

آغاز کار کمیته ویژه سازمان ملل برای اقیانوس هند

اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد درباره مسائل اقیانوس هند، شروع به کار کرد. در این اجلاس، نمایندگان ۴۷ کشور شرکت دارند و مسایل مربوط به تدوین منشور تشکیل کنفرانسی برای تدوین موافقتنامه بین المللی درباره تنیدگی اقیانوس هند به منطقه صلح را مورد بحث قرار می دهند. در این اجلاس، اتحاد شوروی پیشنهاد کرد جهت پایین آوردن سطح تشنج اوضاع در این منطقه، بی درنگ تدابیر عملی اتخاذ شود. رئیس هیات نمایندگی شوروی خواهان آن گردید که کشورهای که در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس واقع نشده اند، از ارسال واحدهای بزرگ نیروی دریایی به منطقه، انجام مانورهای نظامی و ایجاد پایگاههای نظامی خودداری نمایند. اتحاد شوروی برخلاف آمریکا خواستار برگزاری هر چه زودتر کنفرانس بین المللی درباره اقیانوس هند، بمنظور غیر نظامی کردن این منطقه است. دولت شوروی ۲۰ سال پیش از این، پیشنهاد نمود که ناحیه اقیانوس هند و خلیج فارس بعنوان منطقه غیر هسته ای اعلام شود. اتحاد شوروی در عرض تمام ۱۳ سال که از تصویب بیانیه مجمع عمومی ملل متحد درباره اعلام اقیانوس هند بعنوان منطقه صلح می گذرد، از مفاد این بیانیه حمایت کرده است، در مقابل، آمریکا و متحدین آن، همواره مشغول کار شکنی علیه تلاشهای بین المللی بمنظور کاهش تشنجات در اقیانوس هند بوده اند. دایر کردن ۳۰ پایگاه نظامی، منجمد پایگاه بسیار بزرگ جزیره " دیه گو گارسیا" استقرار سلاح هسته ای در این پایگاه، حضور دوناو گروه مرکب از ۴۰ نوا جنگی بسرکردگی دوناو هواپیما بر آمریکا، وجود ۱۸۰ هواپیما جنگی که ۸۰ فروتنند



اعتصاب در مغان

در کشت و صنعت مغان، کارگران و کارمندان کوشیدند از طریق اعتصاب و تحصن، مدیریت عامل فاسد و ضد انقلابی را اخراج نمایند. این واحد بزرگ نیز به تیول مدیران ضد انقلابی تبدیل شده است. روشن است که این مدیران برای بهره‌کشی هرچه بیشتر از کارکنان، دستمزدها را در سطح پایین، ثابت نگه می‌دارند و کارکنان معترض را اخراج می‌نمایند. در اردیبهشت ماه کارکنان با خواست اخراج مدیر عامل، افزایش دستمزد و بازگشت کارکنان اخراجی دست به تحصن می‌زدند. آنها پس در برابر بی‌توجهی مسئولین اقدام به اعتصاب غذای کردند. اعتصاب غذا سه روز به طول انجامید.

راهپیمائی زنان

مشکل مسکن روزگار مردم ماراسیاه کمرده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که همواره وعده می‌دادند بزودی مسکن را "حل" خواهند کرد. اینک از طریق بازگرداندن مستغلات و واحدهای مسکونی بزرگ به صاحبان قبلی، "حل" آنرا آغاز کرده‌اند. مأمورین مسلح حکومتی، مختصر لوزن زندگی مردم را به خیابان‌های ریزند و کلید منزل را تقدیم صاحبان "شرعی" آن می‌کنند. مردم آواره شده به اشکال‌گونان مقاومت و اعتراض می‌کنند. در ۲۳ اردیبهشت ۷۰ زن خانه دارد را لیکه کو دکا نشان را به همراه داشتند، در اعتراض به تصمیم حکومت برای اخراج از منازلشان، در خیابان‌های تهران راهپیمایی می‌کنند. آنها قصد رفتن به مجلس را داشتند که در چهار راه صدق - سپه توسط نیروهای مشترک سپاه، کمیته و شهربانی، متوقف می‌شوند. کشاکش میان آنان منجر به انسداد خیابان و اجتماع و سیع جمعیت رهگذر می‌شود. مأمورین بالاخره مانع رسیدن آنان به مجلس می‌شوند اما نتوانستند مانع رساندن پیام و شکایت آنان به مردم گردند.

ادامه اعتراض در قائم شهر

مادر شماره قبل خبرخود دکنی یک پرستار در قائم شهر، که در پی افتراات رژیم پلانه انجمن اسلامی بیمارستان، صورت گرفته بود را آورده‌ایم. تشییع جنازه و مراسم ختم او به صحنه‌ای برای ابراز انزجار مردم نسبت به مسئولین و نسبت به روشهای شناع بار حاکمیت تبدیل شده بود. شرکت مردم بی‌سابقه بود. همکاران این پرستار ذری حادّه، در اعتراض به انجمن اسلامی و مدیریت بیمارستان اعتصاب می‌کنند. آنها که

از همراهی دیگر مردم قائم شهر برخودار بودند سپاه را و اداری سازند تا اعضای انجمن اسلامی و مدیر بیمارستان را بازداشت کنند. اما پس از آن و در پی آرایش و ضاع، سپاه، زندانیان را آزاد کرده و دستگیری پرسنل بیمارستان را آغاز می‌کند. تاکنون ده نفر از کارکنان دستگیر شده‌اند.

موعظه قاتلین اوین

برای خانواده قربانیان خود

برای رذالتهای لاجوردی و گماشتگانش حدی نیست. آنها بنحو بیمارگونه ای از آزار، لذت می‌برند. اخیرا لاجوردی، هیأتی از کارکنان دادستانی مرکز را مأمور مراجعه نزد خانواده‌های قربانیان خود کرده است. این مأمورین اعضا این خانواده‌های داغدار را در منازلشان گردآورده و وادارشان می‌کنند تا بسخنان و قیدانه‌شان گوش دهند. برای مادران و حواهران سیاهپوش شهدا، نطق می‌کنند که چرا اعدام عزیزان‌شان حق و عدل بود. آنها شرح کثافی اندر عطف و انسانیت حاج آقا (لاجوردی) می‌دهند. بستگان شهیدان که توان تحمل قاتلین را در کنار خود ندارند. فحجه و زاری می‌کنند. از آنها می‌خواهند تا دست از سرشان بردارند.

حمل مازیک ممنوع!

در شماره‌های قبل نوشته بودیم که کثرت شعارنویسی توسط نیروهای انقلابی در خیابانها و اماکن عمومی، رژیم را ناچار کرده است برای پاک کردن آن نیروهای تازه ای را به میدان بیاورد. علاوه بر نیروهای سابق مأمورین پست، گشت شهریانی هم مأمورین کار شده‌اند. بی نتیجه بودن این تشیسات رژیم را وادار کرده است که گویا به علت پیرازد. از این رو اخیرا دستور داده شد تا هرکسی را که مازیک به همراه دارد، توقیف کنند. در یک مورد یکی از محلات پیرمردی که بی اطلاع از آخرین فرمان، مازیک در دست حرکت می‌کرد توقیف شد. از آنجا که او هم مثل بسیاری از مردان ایرانی، پدریک شهید بود، توانست آزاد شود.

سارق مسئول تشخیص صلاحیت

در دانشگاههای کشور واحدی بنام شورای پذیرش وجود دارد. این واحد از اختیارات بی حدی برخوردار است. احکام این شورای مرموز و دانشجویان لازم الاجرا است. تمام اخراجهای دانشجویان به دستور وی با تمام آنها صورت می‌گیرد. واحدی با این همه اختیار و قدرت بسیار مورد نظرتوجه عناصر فاسد و فرصت طلب است. از این رو تحت حمایت مسئولین جمهوری اسلامی اینگونه افراد شورای پذیرش دانشگاهها را در سراسر کشور قبضه کرده‌اند. در دانشگاه تربیت معلّم، دانشجویی بنام اکرامی از اعضا دینفوذ این

شوراست. او با استفاده از اختیارات خود بسیاری از اموال دانشگاه را سرقت کرد. رسوایی دزدیهای او به آنجا رسید که رئیس این دانشگاه بهمین خاطر او را از شرکت در کلاسهای درس منع و محروم می‌کند. با وجود این ایشان همچنان بعنوان عضو شورای پذیرش باقی مانده و به تعیین صلاحیت دانشجویان مشغول است.

مخالفت پزشکان با طرح حکومت

اخیرا از سوی مسئولین امر طرح تازه‌ای در مورد نظام پزشکی تهیه شده است. برای تهیه آن از هیچ يك از پزشکان (بجز مسئولین) نظرخواهی نشد. تنها پس از تذکره وین از پزشکان برخی شرکت در جلسه ای دعوت می‌شود تا توجیه شوند. پزشکان بسیاری در جلسه مذکور شرکت می‌کنند تا از کم و کیف این طرح با خبر گردند. دکتر شیبانی از سوی مسئولین سخنرانی می‌کند و می‌گوید که پزشکان را به دفاع از طرح بکشاند. از پیش حد و د ۱۵ نفر "حزب الهی" طبق برنامه معین در گوشه و کنار سالن نشاند می‌شوند. آنها موظف بودند در لحظات معینی از سخنان شیبانی بابانگ تکبیر، دیگران را نیز به تکبیر گویی و تایید بکشاند، که بکلی ناکام می‌مانند. حتی یکبار هم پزشکان با آنها همراهی نکردند. هیأت تکبیرگو حتی کوشید با کف زدن، جمع را به تایید وادار، ولی باز هم بی نتیجه بود. پس از اینکه شیبانی عرق ریزان کرسی خطابه را ترک می‌کند، پزشکی به نمایندگی از سری دیگران سخنرانی می‌کند و ضمن رد طرح به روش برخود مسئولین با مساله نیز اعتراض می‌کند. در رای گیری پایانی، طرح با اکثریت قاطع رد می‌شود.

AKSARIYAT

NO. 16

FRIDAY, 20 JULY 84

Address آدرس
POSTFACH 23007 آلمان فدرال
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 6YU
ENGLAND

P.O. BOX 88156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90086
USA

G.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA